



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام حسن بن علی
عسکری علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسن بن علی عسکری علیه السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام حسن بن علی عسکری علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	تشیع در گذرگاه تاریخ
۷	دوران زندگانی حضرت امام حسن عسکری
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام حسن بن علی عسکری علیه السلام

مشخصات کتاب

تشیع در گذرگاه تاریخ

بعد از امام علی النقی فرزندش امام حسن عسکری جانشین وی شد و ولادت آن حضرت در مدینه منوره در ماه ربیع الآخر سال ۲۳۲ هجری بود [۱] و در روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ ه به شهادت رسید و طبق بعضی از مآخذ آن حضرت با توطئه معتمد خلیفه عباسی مسموم گردید [۲] و آن روز از عمر شریفش ۲۸ سال گذشته بوده و در شهر سامرا در همان خانه ای که پدر بزرگوارش مدفون بود، آن حضرت را نیز دفن کردند و مزار وی و پدرش امام هادی در آن شهر است. والده ماجده اش حُدَیث یا حدیثه و یا سوسن و به قولی سلیل نام داشت و از زنان صالحه روزگار و دارای عالترین فضائل نفسانی بود. مسعودی در اثبات الوصیه، نوشته که از عالم (ع) روایت شده که فرمود وقتی که سلیل مادر امام حسن عسکری نزد امام علی النقی آمد، آن حضرت فرمود: سلیل از آفتها، گزندها، پلیدیها و ناپاکیها محفوظ است. بعد خطاب به او فرمود: به همین زودی خدا حجت خود را به تو عطا می کند که زمین را پر از عدل و داد بنماید، چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. آنگاه مسعودی می افزاید که مادر حسن عسکری در مدینه به آن حضرت حامله شد و او را در همانجا به دنیا آورد، ولادت و نشو و نماي امام حسن عسکری نظیر ولادت پدران بزرگوارش بود [۳]. مشهورترین القابش زکّی و عسکری است و آن حضرت را مانند پدرش ظاهراً به خاطر این عسکری می گفتند که در سامرا که لشکرگاه خلیفه بود، می زیست [۴]. شیخ مفید می نویسد: امام پس از حضرت هادی (ع) فرزندش ابومحمد حسن بن علی (ع) بود برای این که اوصاف و خصال برتری و فضیلت در او گرد آمده بود و در آنچه لازمه منصب امامت و مقتضای ریاست است از علم و زهد و کامل بودن در عقل و خرد و عصمت و شجاعت، کرم و بزرگواری و بسیاری از اعمال و کرداری که انسان را به خدا نزدیک کند، بر همه پیشی گرفته بود، از این گذشته طبق نص صریح پدر بزرگوارش درباره امامت او و اشاراتی که آن حضرت درباره خلافت و جانشینی او فرموده بود [۵]. کلینی به سند خود از ابوبکر فیهکی روایت کرده است که گفت: امام هادی (ع) به من نوشت که: ابومحمد ابنی انصح آل محمد عزیزیه و او ثقهم حجه و هو الاکبر من ولدی و هو الخلف و الیه ینتهی عُرَى الامامه و احکامها، فما کنت سائلی فسیله عنه فعنده ما یحتاج الیه [۶]. پسر ابومحمد، از نظر فطرت خیرخواه ترین افراد آل محمد و از نظر حجت و برهان معتبرترین آنان است او پسر بزرگتر و جانشین من است، رشته ها و احکام امامت به او می رسد، پس هر چه می خواهی از من بپرسی از او بپرس که تمام احتیاجات شما نزد اوست. ابن قولویه به سند خود از یحیی بن یسار عنبری روایت کرده که حضرت هادی چهار ماه پیش از وفات خود به فرزندش حسن (ع) وصیت کرد و مرا با جمعی از دوستان و شیعیان بر آن وصیت گواه گرفت [۷]. از داود بن قاسم جعفری روایت شده که گفت: در آن موقعی که محمد فرزند امام علی النقی (ع) از دنیا رفت من در خدمت آن حضرت بودم فکر کردم و با خود گفتم، قصه امام حسن عسکری هم نظیر قصه اسماعیل و موسی بن جعفر (ع) است ناگاه دیدم امام عسکری (ع) متوجه من شد و فرمود: آری جریان من همان طور است که تو فکر کردی و لو این که برای مخالفان خوشایند نباشد. ابومحمد ابنی الخلف من بعدی عنده ما تحتاجون الیه ومعہ آله ومعہ آله الامامه و الحمد لله [۸]. پسر ابومحمد بعد از من خلیفه و امام است و پیش اوست آنچه که مردم به آن احتیاج دارند و وسیله امامت با اوست، خدا را شکر. همچنین علی بن عمرو نوفلی گوید: من در خدمت امام هادی در صحن خانه اش بودم که فرزندش محمد بر ما گذر کرد، من به آن حضرت عرض کردم قربانت کردم امام ما پس از شما این است؟ فرمود: نه امام و صاحب شما پس از من حسن است [۹]. و نیز سعید بن عبدالله از گروهی از بنی هاشم که یکی از آنها حسن بن حسن افطس است روایت می کند که گویند: روز وفات محمد

بن علی بن محمد (پسر بزرگتر امام هادی ع-ع) در منزل حضرت ابوالحسن بودند و او را تسلیت می گفتند، در صحن منزل برای حضرت فراشی گسترده و مردم اطرافش نشسته بودند، که غیر از خادمان و مردم متفرقه، در حدود یکصد و پنجاه تن از خاندان ابوطالب و بنی هاشم و قریش بودند، ناگاه امام هادی پسرش حسن بن علی با گریبان چاک زده آمد و در طرف راستش ایستاد و ما او را نمی شناختیم، بعد از مدتی امام هادی متوجه او شد و فرمود: پسرم خدای را شکر کن که درباره تو امری پیش آورد. جوان گریست و خدا را شکر کرد و گفت: انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین و من از خدا تمامیت نعمتش را نسبت به خود از ناحیه ی شما می خواهم ما پرسیدیم او کیست؟ گفته شد او حسن پسر امام هادی(ع) است و او در آن وقت به نظر ما ۲۰ سال یا کمی زیادت‌تر داشت، در آن روز ما او را شناختیم و فهمیدیم که امام هادی به امامت و جانشینی او اشاره کرد [۱۰]. خلاصه روایات درباره وصایت و امامتش زیاد است که در کتب معتبر مذکور است و این مقال گنجایش بیش از این را ندارد.

دوران زندگانی حضرت امام حسن عسکری

امام حسن عسکری دوران کودکی خود را در خدمت پدر، در مدینه منوره گذراند و در سال ۲۳۵ ه که سن آن حضرت چهار سال و چند ماه بود با پدر بزرگوارش به عراق حرکت فرمود و حدود ۱۹ سال در سامرا در خدمت پدرش بود تا آن حضرت شهید شد و به مقام امامت و پیشوائی رسید و مدت امامت آن حضرت هم بیش از شش سال نبود و در این مدت همان مرام و برنامه و خط سیر پدران خویش را دنبال کرد و به علت سختگیری بیش از حد مقام خلافت، با تقیه بسیار شدید رفتار می کرد و در به روی مردم، حتی عامه شیعه بسته و جز خواص شیعه کسی را اجازه ملاقات نمی داد با این حال اکثر اوقات زندانی بود [۱۱]. یک سال و چند ماه که از امامت امام عسکری گذشت مردم با مهدی بالله (۲۵۵ه) بیعت کردند، گرچه او طریق زهد پیش گرفت و ملاحی را از خود دور کرد. و می خواست مثل عمر بن عبدالعزیز در میان عباسیان باشد [۱۲] ولی طبق روایات با امام حسن عسکری (ع) بد رفتاری کرد و آن حضرت را به زندان انداخت و قصد کشتن او را داشت که خداوند ریشه عمر او را قطع کرد. مسعودی می گوید: از ابوهاشم روایت شده که گفت: من با حضرت امام حسن عسکری در زندان مهدی عباسی بودیم، امام عسکری به من فرمود: این مرد ستمکار امشب از دنیا می رود، خداوند رشته عمر او را قطع کرد و عمرش را به خلیفه بعدی داد، من فرزندی ندارم ولی خداوند به همین زودی به لطف و کرم خویش پسری به من عنایت می کند ابوهاشم می گوید: وقتی که ما آن شب را صبح کردیم ترکها به مهدی عباسی حمله کردند و عموم مردم هم به جهت این که مهدی به عقیده گروه معتزله و قدریه معتقد شده بود با آنان همکاری کردند و مهدی بالله را کشتند و به جای مهدی، معتمد را نصب کردند و با او بیعت نمودند، قبل از این که مهدی کشته شود او قصد داشت که امام حسن عسکری را شهید کند، ولی خدا او را به خودش مشغول کرد تا این که کشته شد و به سوی دردناکترین عذاب خدا حرکت کرد [۱۳]. شیخ مفید و دیگران از احمد بن محمد روایت کرده اند که گفت: مهدی عباسی دست به کشتار موالیان ترک و وابستگان خود زد. من نامه به حضرت عسکری نوشتم که: سپاس خدای را که او را از ما به خود مشغول ساخت، زیرا من شنیده بودم شما را تهدید کرده و گفته است که من ایشان را از روی زمین بر می دارم، حضرت عسکری به من نوشت: این سخن، عمر او را کوتاهتر کرد از امروز پنج روز بشمار و روز ششم پس از خواری و ذلتی که به او برسد، کشته خواهد شد و چنان هم شد [۱۴]. صاحب خرایج از عیسی بن صبیح روایت کرده است که گفت: در زمانی که ما در زندان بودیم، امام حسن عسکری (ع) را نیز به زندان آوردند و من او را می شناختم، به من فرمود: تو الان شصت و پنج سال و چند ماه و چند روز عمر کرده ای، تصادفاً همراه من کتاب دعائی بود که تاریخ تولد من در آن نوشته شده بود به آن مراجعه کردم دیدم چنان بود که آن حضرت به من خبر داد. بعد فرمود: فرزندی روزی تو شده؟ گفتم: نه، فرمود: اللهم ارزقه ولداً یکون له عضداً فنعم العضد الولد خدایا به او فرزندی روزی کن که عضد و بازوی او باشد چه این که فرزند خوب بازویی است. سپس به این شعر متمثل شد: من

كان ذا وليدٍ يُدرك ظلامته ان الدليل الذی لیست له عضدٌ هر کس صاحب فرزند باشد، داد خود را می گیرد، ذلیل کسی است که بازو ندارد. راوی می گوید: من گفتم تو فرزند داری؟ فرمود: آری، به خدا قسم به این زودی خداوند پسری بر من کرامت فرماید که: یملاء الارض قسطاً و عدلاً زمین را از عدل و داد پر کند. اما الان فرزند ندارم، آن وقت به این دو شعر متمثل گردید: لعلک يوماً ان ترانی کانما بنی حوالی الاسود اللوابد فان تمیماً قبل ان یلد الحصى اقام زماناً و هو فی الناس واحد [۱۵]. آری شکوه و عظمت آن حضرت در زندان طوری بود که زندانیان و زندانبانان را به شدت تحت تأثیر قرار می داد. با این که زندانبانان آن حضرت را از بدترین اشخاص انتخاب می کردند باز در اثر مشاهده حالات روحانی و ملکوتی آن حضرت از ارادتمندان و شیفتگان او می گردیدند و این موضوع عباسیان را بیشتر رنج می داد. گویند: زمانی که امام حسن عسکری در زندان بود، عباسیان و صالح بن علی و دیگر منحرفان از ناحیه اهل بیت به نزد صالح بن وصیف (که حضرت در خانه او زندانی بود) رفتند و به او گفتند: بر ابو محمد سخت گیری کن و به او روی خوش نشان نده صالح گفت: چه کنم با او؟ من دو مرد از بدترین کسانی که می توانستم پیدا کنم بر او گماشتم، آن دو نفر در اثر مشاهده رفتار آن حضرت، از لحاظ عبادت و نماز و روزه خیلی کوشا شدند من به آن دو نفر گفتم: در او چه خصلت است؟ گفتند: چه می گوئی درباره مردی که روز را روزه می گیرد و تمام شب را عبادت می کند، نه سخنی می گوید و نه به چیزی سرگرم می شود چون به او نگاه می کنیم، رگهای گردن ما می لرزد و حالی به ما دست می دهد که نمی توانیم خود را نگه داریم. عباسیان که این سخنان را چنین شنیدند، سرافکنده و نومید برگشتند [۱۶]. مدت دو سال و چند ماه که از امامت امام عسکری (ع) گذشت مهتدی بالله عباسی بر دست غلامان کشته شد و پس از مرگ وی امام فوراً آزاد گردید [۱۷] و پسر عمش احمد بن جعفر متوکل ملقب به معتمد علی الله به جای وی نشست و این واقعه در سال ۲۵۶ هـ اتفاق افتاد. معتمد نیز مثل مهتدی بر امام حسن عسکری سخت گرفت و محدودیتهای بسیاری بر آن حضرت تحمیل کرد و او را مکرر به زندان انداخت و به دست بدترین و خشن ترین زندانبانان سپرد تا او را به بدترین وضع شکنجه نمایند. شیخ مفید و دیگران از جمعی از اصحاب روایت کرده اند که امام حسن عسکری را به تحریر (خادم مخصوص خلیفه عباسی) سپردند تا نزد او زندانی باشد، او بر حضرتش سخت گرفت و اذیتش می کرد، زنش به او گفت: وای بر تو، از خدا بترس، نمی دانی چه شخصی در منزل تو است؟ و شایستگی و خصوصیات اخلاقی حضرت را برای او بیان کرد و گفت: من درباره او بر تو نگرانم، مرد گفت: او را میان درندگان می اندازم و همین کار را هم کرد و شک نداشتند که درندگان او را خواهند خورد، ولی امام را دیدند به نماز ایستاده و درندگان هم دور او حلقه زده اند، پس دستور داد آن حضرت را به خانه آوردند [۱۸]. شیخ مفید به سند خود از محمد بن اسماعیل علوی روایت کرده که گفت: حضرت عسکری را نزد علی بن اوتاش زندان کردند و این مرد سختترین دشمنان آل محمد (ص) بود و بسیار با خشونت نسبت به فرزندان و خاندان ابی طالب رفتار می کرد و به او دستور داده بودند هر چه می تواند نسبت به او سخت گیری و بد رفتاری کند گوید: بیش از یک روز نگذشت که آن مرد در برابر آن حضرت صورت بر خاک نهاد (کنایه از شدت فروتنی است) و به جهت احترام و بزرگداشت آن حضرت در برابرش دیده به او نمی انداخت و سر به زیر بود و هنگامی که حضرت از پیش او بیرون رفت آن مرد از بهترین شیعیان خوش عقیده و ستایشگران حضرت شده بود [۱۹]. در روایت آمده است زمانی که معتمد امام حسن عسکری را زندانی کرد و به دست علی بن حزین سپرد. معتمد دائماً خبر آن حضرت را از علی بن حزین می پرسید او می گفت: روزها روزه می گیرد و شبها نماز می خواند. یکی از روزها معتمد از زندانبان سراغ امام را گرفت، علی بن حزین همان جواب را گفت. معتمد گفت: همین ساعت به نزد او برو و سلام مرا به آن حضرت برسان، و به او بگو آزاد هستی و به منزل خود برگردد. علی بن حزین می گوید: من به در زندان آمدم، الاغ زین کرده ای را دیدم خدمت آن حضرت رفتم دیدم که نشسته و لباسهای خود را پوشیده وقتی که مرا دید از جای خود بلند شد، من پیغام معتمد را به آن حضرت رساندم آن حضرت سوار شد، وقتی که سوار شد کمی توقف کرد. من گفتم: برای چه توقف کردی؟ فرمود: برای این که جعفر هم خارج شود، گفتم: معتمد مرا دستور

داد تنها ترا آزاد کنم، فرمود، برو نزد معتمد و به او بگو: من و جعفر از یک خانه خارج شدیم، اگر من برگردم و جعفر همراه من نباشد عیبی دارد که بر تو مخفی نیست. زندانبان رفت و برگشت. گفت معتمد جعفر را به خاطر شما آزاد کرده، زیرا جعفر را به جهت جنایتی که در حق خود و شما کرده بود و حرفی که درباره شما زده بود، زندانی کرده بودم، جعفر هم آزاد شد به همراه امام به خانه آن حضرت آمد [۲۰]. طبق نقل مسعودی از محمودی روایت شده که گفت: در آن موقعی که امام حسن عسکری (ع) از زندان معتمد خارج شد، خط آن حضرت را دیدم که نوشته: *یریدون لیطفؤوا نورالله بافواهمم و الله متم نوره و لو کره الکافرون* [۲۱] (می خواهند که نور خدا را با دهانشان خاموش کنند، خداوند نور خود را کامل می کند ولو این که کافران را خوش نیاید) [۲۲].

از روایات ظاهر می شود که امام حسن عسکری در طول شش سال امامت خود بیشتر اوقات در زندان بود و موقعی هم که در زندان نبود در خفا و تقیه می زیست زیرا عباسیان محدودیتهای بسیاری بر آن حضرت تحمیل کرده و او را توسط جاسوسان خود محاصره کرده بودند. و به همین دلیل اکثر شیعیان از تماس آزاد با آن حضرت محروم بودند. تنها برگزیدگان از هوادارانش می توانستند شخصاً آنها را از پشت پرده با آن حضرت تکلم نمایند. بعضیها گفته اند: که این عمل مقدمه ای بود برای غیبت امام زمان (عج) که شیعیان به آن عادت کنند و از غیبت امام وحشت نکنند. یا به وسیله نامه با او ارتباط داشته باشند [۲۳]. سبب اینهمه فشار این بود که اولاً در آن زمان جمعیت شیعه کثرت و قدرتش غیرقابل توجه شده بود، بدین جهت مقام خلافت بیش از پیش ائمه را تحت مراقبت در آورده بودند ثانیاً مقام خلافت پی برده بود که خواص شیعه برای امام یازدهم فرزند معتقدند و طبق روایاتی که از خود امام یازدهم و هم از پدرانش نقل می کنند فرزند او را مهدی موعود می شناسند که به موجب اخبار متواتره از طرق عامه و خاصه پیغمبر اکرم (ص) خبر داده بود و او را امام دوازدهم می دانند از این جهت امام حسن عسکری بیشتر از امامان دیگر تحت مراقبت مقام خلافت در آمده بود و خلیفه عباسی تصمیم قطعی گرفته بود که به هر طریق باشد به قضیه امامت شیعه پایان بخشد و در این خانه، برای همیشه ببندد. در همین حال و با وجود چنین وضعیت بحرانی امام یازدهم بوسیله سازمان مخفی و کالت با شیعیان در ارتباط بوده و آنها را به وسیله وکلا و نمایندگان خود رهبری و راهنمایی می کرد. امام در نزد وکلای خود نمونه خط و امضائی داشت که به وسیله آن، نامه امام را می شناختند [۲۴]. مسعودی از محمد بن عبیدالله روایت کرده که گفت: من روزی برای امام حسن عسکری نامه نوشتم، آن حضرت را از اختلافات شیعیان و دوستان خبر دادم از آن بزرگوار خواستم که دلیلی اظهار کند، در جوابم نوشت: خدای سبحان با مردم عاقل گفتگو می کند، هیچ کسی به اندازه خاتم پیامبران دلیل و برهان نیاورده، ولی آن مردم می گفتند: رسول خدا جادوگر و دروغگو است و خدا هم هدایت کرد آن افرادی را که باید هدایت کند، آری دل بیشتر مردم به وسیله ی دلیل و برهان تسکین پیدا می کند. موقعی که خدا به ما اجازه دهد تکلم می کنیم، وقتی که ما را ممنوع کند ساکت می شویم. اگر خدا دوست نمی داشت که حق را ظاهر و آشکار کند پیغمبران مژده دهنده و ترساننده را نمی فرستاد که در اوقاتی با حال ضعف و قوت حق را آشکار کنند و در اوقاتی سخن می گویند تا امر خدا اجرا شود و حکم پروردگار برای طبقات مختلف مردم نافذ گردد. کسی که بینا باشد راه نجات را طی کند، به لطف حق چنگ می زند به شاخه محکمی چنگ خواهد زد، شک و ریبی نخواهد داشت و غیر از من پناهگاهی برای او نمی باشد. طبقه دیگری هستند که حق را از اهل حق نمی گیرند، آنان نظیر مسافر دریا هستند که در موقع موج دریا موج می زنند و در موقع سکون دریا ساکن می شوند. طبقه دیگری هستند که شیطان بر آنان مسلط شده، دأب آنان این است که اهل حق را برطرف کنند، اهل حق را به وسیله ی باطل و هوا و هوس از بین ببرند، آنان کافر و ذاتاً حسودند. افرادی را که این طرف و آن طرف می روند رها کن، زیرا چوپان موقعی که بخواهد گوسفندان خود را جمع کند با مختصر تلاشی آنها را جمع خواهد کرد، راجع به اختلاف دوستان ما نوشته بودید موقعی که (درباره امر امامت) وصیت و کتابهایی در بین باشد جای شک و تردیدی نخواهد بود، کسی که در مجلس قضاوت بنشیند، به قضاوت اولی و سزاوارتر است. آن افرادی را که باید محافظت کنی نیکو محافظت کن، از طلب ریاست و فاش کردن اسرار برحذر باش زیرا این دو موضوع انسان را به وادی

هلاکت خواهد کشید [۲۵].

پاورقی

- [۱] ارشاد، مفید، ص ۳۱۵ - کافی، ج ۱، ص ۵۰۹ - اعلام الوری، ص ۳۴۹ - فصول المهمة، ص ۲۶۶ - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۳ - ولی بعضیها سال تولد آن حضرت را در سال ۲۳۱ نوشته اند. ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۲۰۳ - كشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۹۲ - اثبات الوصیة، ص ۲۶۲ - عیون المعجزات بحار، ج ۵۰، ص ۲۳۸.
- [۲] اعلام الوری، ص ۳۴۹ - دلائل الامامة، ص ۲۲۳ - ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۱.
- [۳] اثبات الوصیة، ص ۲۶۲ - ترجمه، ص ۴۵۷.
- [۴] تذکره ابن جوزی، ص ۲۰۲.
- [۵] ارشاد، ص ۳۱۵.
- [۶] کافی، ج ۱، ص ۳۲۷ - ۳۲۸.
- [۷] ارشاد، ص ۳۱۵ - کافی، ج ۱، ص ۳۲۵ - اعلام الوری، ص ۳۵۱.
- [۸] غیبة الشیخ، ص ۱۳۰ - ترجمه اثبات الوصیة، ص ۴۵۸ - بحار، ج ۵۰، ص ۲۴۱.
- [۹] کافی، ج ۱، ص ۳۲۶ - ۳۲۵ - ارشاد، ص ۳۱۵ - غیبة الشیخ، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.
- [۱۰] کافی، ج ۱، ص ۳۱۶ - اعلام الوری، ص ۳۵۱ - بحار، ج ۵۰، ص ۲۴۵ - ترجمه اثبات الوصیة، ص ۴۵۹.
- [۱۱] ارشاد، ص ۳۲۴ - کافی، ج ۱، ص ۵۱۲ - مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۹.
- [۱۲] تاریخ گزیده، ص ۳۳۰.
- [۱۳] ترجمه اثبات الوصیة، ص ۴۷۴.
- [۱۴] ارشاد، ص ۳۲۴ - کافی، ج ۱، ص ۵۱۰ - اعلام الوری، ص ۳۵۶.
- [۱۵] بحار، ج ۵۰، ص ۷ - ۲۷۶.
- [۱۶] کافی، ج ۱، ص ۵۱۲ - ارشاد، ص ۳۲۴.
- [۱۷] بحار، ج ۵، ص ۳۰۳.
- [۱۸] ارشاد، ص ۳۲۴ - با کمی تفاوت کافی، ج ۱، ص ۵۱۳.
- [۱۹] ارشاد، ص ۳۲۲ - کافی، ج ۱، ص ۵۰۸.
- [۲۰] ترجمه اثبات الوصیة، ص ۶ - ۴۷۵.
- [۲۱] سوره صف، آیه ۸.
- [۲۲] ترجمه اثبات الوصیة، ص ۴۷۸.
- [۲۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۵۳۳ - صبحی نظریات الامامه، ص ۳۹۴ صبح قاهره، ۱۹۶۹م.
- [۲۴] کافی، ج ۱، ص ۵۱۳.
- [۲۵] ترجمه اثبات الوصیة، ص ۴ - ۴۶۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

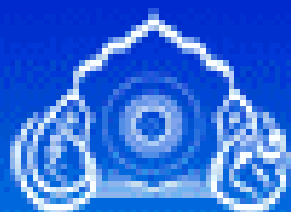
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

